



فصلنامه علمی- پژوهشی اخلاق پژوهی

سال هفتم • شماره چهارم • زمستان ۱۴۰۳

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 7, No. 4, Winter 2025



بررسی معیار فعل اخلاقی

از دیدگاه آیه الله سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی)

مجید هدایت‌شده* | هادی صادقی**

doi 10.22034/ethics.2024.51415.1684

چکیده

به جهت تنظیم نظامات موجود در جامعه، شایسته است که نظریه اخلاقی بنیادینی بر مبنای نظام فکری رهبر معظم انقلاب، به عنوان راهبر جامعه تعریف شود. با بررسی بیانات، نامه‌ها، پیام‌ها و دیگر منشورات موجود از مقام معظم رهبری ناظر به اخلاق، به عنوان منابع این تحقیق، به این نکته پی می‌بریم که معیار اخلاقی از دیدگاه ایشان واجد ویژگی‌های متفاوت با معیارهای رایج اخلاق هنجاری است. تنوع و تکرر در معیار، متناسب با وسع و توانمندی فاعل اخلاقی و همچنین وجود مراتب در معرفی معیار اخلاقی به مخاطبین، از جمله این ویژگی‌هاست. از دیدگاه معظم له، هر کس متناسب با وسع و میزان رشد یافتگی اخلاقی خود، معیاری از معیارهای اخلاق هنجاری رایج را اخذ کرده و بر طبق آن عمل خواهد کرد. توصیه‌های اخلاقی متفاوت ایشان به صنوف گوناگون، از مویّدات این دیدگاه بوده و سبب تنوع در ارائه نسخه‌های اخلاقی در مقام برنامه‌ریزی و اداره جامعه خواهد شد.

کلیدواژه‌ها

معیار فعل اخلاقی، وسع فاعل، نظریه‌های اخلاق هنجاری، معیار حق، رهبر انقلاب اسلامی.

* دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. (نویسنده مسئول) | mohtadi113@gmail.com

** استاد دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. | sadeqi.hadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰ □ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹

■ هدایت‌شده، مجید؛ صادقی، هادی. (۱۴۰۳). بررسی معیار فعل اخلاقی از دیدگاه آیه الله سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی).

فصلنامه اخلاق پژوهی. ۷(۲۵)، ۴۶-۲۷. doi: 10.22034/ethics.2024.51415.1684

مقدمه

اخلاق هنجاری شاخه‌ای از فلسفه اخلاق است که در آن، معیار یا معیارهایی برای افعال یا ملکات اخلاقی تعیین می‌شود. موضوع اخلاق هنجاری از افلاطون و ارسطو تا به عصر حاضر مورد بحث و نظر بوده و در عصر حاضر که ادعای عقل‌گرایی - به ویژه در جوامع غربی - گسترش یافته، بیشتر مورد توجه و مبنای عمل است. با بررسی نظریات و مبانی نظری و عملی علمای بزرگ اسلامی در حوزه اخلاق ورود و تمرکز بزرگان اخلاق در حیطه علم اخلاق بیشتر مشهود است که به شناخت رذائل و فضایل و نحوه کسب و رفع آن تعریف می‌شود و بحث از فلسفه اخلاق و اخلاق هنجاری، کمتر در کلام ایشان یافت می‌شود.

در عصر حاضر، سگان اداره جامعه اسلامی با فقیه‌ی نواندیشی و حکیمی جامع‌الاطراف است که خود، صاحب نظر در حوزه اخلاق بوده و نظرات ایشان به عنوان یک متفکر در این حوزه، طرح‌نامه‌ای کاربردی در اداره جامعه اسلامی است. از سویی دیگر، گستره عظیمی از تولیدات اخلاقی در بیانات، پیام‌ها، بیانیه‌ها و آثار ایشان وجود دارد که نشأت گرفته از مبانی روشن ایشان در حوزه اخلاق برای اداره جامعه است و لزوم استنباط مبانی فکری معظم له در این حوزه را از چند جهت مورد توجه قرار می‌دهد: ۱. تأکیدات متعدد معظم له بر اصل بودن اخلاق و مبنا بودن اخلاق در حرکت جامعه اسلامی در حیطه‌های گوناگون؛ ۲. تحلیل و استخراج مبانی اخلاقی ایشان در مقایسه با نظریات اخلاق هنجاری در دنیای معاصر که فهم‌پذیری نظریات ایشان در حوزه اخلاق را در عصر حاضر، روان‌تر و عملی‌تر خواهد کرد؛ ۳. با توجه به اصل بودن حرکت جامعه اسلامی بر مسیر فکری ولی فقیه به عنوان سگان‌دار مدیریت اخلاقی جامعه و همچنین تأکیدات مکرر معظم له بر اخلاقی‌سازی جامعه در تمام شئون و همچنین مقدم بودن اخلاق بر امور دیگر، ضرورت شناخت منظومه فکری و استخراج معیار از تولیدات اخلاقی ایشان و همچنین پیاده‌سازی آن را دو چندان می‌کند و نتیجه آن می‌بایست از اصول برنامه‌ریزی تمامی اجزای یک جامعه اسلامی از جمله مردم و مسئولین آن باشد. با عنایت به آنچه گذشت، نیاز جامعه اسلامی به معیار اخلاقی از دیدگاه فقیه حاکم بر نظام اسلامی، بر طبق آنچه که در دنیای معاصر می‌گذرد و مورد پذیرش است ضروری به نظر می‌رسد.

با بررسی پیام‌ها، بیانیه‌ها و دیگر فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله) پیرامون اخلاق، متوجه این مهم خواهیم شد که اخلاق از جمله حوزه‌هایی است که تا کنون کار منسجم و جامعی نسبت به آن صورت نگرفته است؛ به‌ویژه در سطح استخراج معیار و الگو. با این وجود، می‌توان

تحقیقات پراکنده‌ای را یافت که در حوزه اخلاق جای گرفته و مبنا را فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله) قرار می‌دهد و البته، بر اساس معیارهای متفاوت، محصولاتی متفاوت را عرضه کرده‌اند که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱. کتاب اخلاق و معنویت در آئینه نگاه مقام معظم رهبری، صریح‌ترین و جدی‌ترین اثر منتشر شده ناظر به نظریات ایشان در حوزه اخلاق است، اما تنها به دسته‌بندی فرمایشات ایشان در حوزه فضایل اخلاقی پرداخته است؛ ۲. کتاب مرگ تاجران نیز مشتمل بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در موضوع شهید و شهادت است که برخی ملاک‌های مرتبط با اخلاق هنجاری در این کتاب احصاء شده است؛ ۳. مقاله «واکاوی ارزش‌های اخلاق حرفه‌ای مبتنی بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری» و دیگر آثار اخلاقی که در حیطه اخلاق هنجاری جای نگرفته و لزوم ورود در این حوزه را تقویت می‌کند.

به جهت تحلیل و فهم معیار اخلاق هنجاری از دیدگاه رهبری، مراجعه به نظرات ایشان در حوزه اخلاق که عمدتاً به صورت بیانات مطرح شده است، نخستین قدم است. با مراجعه به این بیانات که منبعث از مبانی روشن انسان‌شناختی و الهیاتی دینی است، شاهد نوعی تنوع و گستردگی در توصیه‌های اخلاقی خواهیم بود که نشأت گرفته از ویژگی‌ها و ویژگی‌های معیار فعل اخلاقی در نظر ایشان است. این که در جمیع‌وم و خواص، دو نوع متفاوت با معیار اخلاقی مطرح می‌شود، شاهد مثالی برای این تنوع در توصیه‌های اخلاقی است. در این تحقیق - به جهت تحلیل و فهم دقیق معیار اخلاقی - به سراغ آن دسته از بیانات رهبری انقلاب خواهیم رفت که در حوزه اخلاق بوده و در آن به صراحت، ذکری از معیار فعل اخلاقی به میان آمده باشد و پس از شناخت و بررسی ویژگی‌های معیار اخلاقی از دیدگاه ایشان، معیار اخلاق هنجاری معرفی و تبیین خواهد شد.

روش این پژوهش به شیوه مسئله‌پژوهی (تحقیق درباره یک سؤال مشخص پاسخ نیافته یا پاسخ منقح نیافته) بوده و گستره آن نیز درون رشته‌ای (ویژه موضوعات یک رشته) و روش بررسی، در قالب تحلیل محتوی است.

معیار فعل اخلاقی

معیار در لغت، به معنای اندازه و مقیاس و وسیله سنجش (عمید، ۱۳۵۴، ص ۹۱۲) وسیله‌ای که بدان، چیز دیگر را بسنجند و برابر کنند است. بنابراین، ترازو و پیمان، معیار است؛ زیرا بوسیله آن دو



اشیاء سنجیده می‌شوند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۳۶۷). معیار واژه پرکاربرد است و تقریباً در همه علوم به کار برده می‌شود، ولی تعریف اصطلاحی خاصی در علوم ندارد. شاید علت اصطلاح ناپذیری آن را در غنای معنای لغوی آن بشود جست‌وجو کرد؛ زیرا معنای لغوی آن، چنانکه در لغت‌نامه دهخدا آمده است - یعنی وسیله‌ای که بدان چیز دیگر را بسنجند - در همه علوم و حوزه‌ها قابل کاربرد است (بهمنی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷).

در پژوهش‌های اخلاقی، زمانی که صحبت از معیار به میان می‌آید، تبادر ذهنی به سمت سنجه و ملاک برای تعیین ارزش و الزام اخلاقی می‌رود و مباحث پیرامون آن، در دایره پژوهش‌های هنجاری قرار می‌گیرد. در اخلاق هنجاری یا اخلاق دستوری، به مطالعات و بررسی‌های هنجاری درباره تعیین اصول، معیارها و روش‌هایی برای تبیین (حسن و قبح)، (درست و نادرست)، (باید و نباید) و امثال آن پرداخته می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۲، ص ۲۶). با عنایت به این نکات، باید دید برای تعیین خوب و بد و تشخیص درست از نادرست، به چه معیاری باید تمسک جست و نظریات و مکاتب اخلاقی، بر پایه چه ملاک و معیاری شکل گرفته‌اند. با بررسی آراء و نظرات در حوزه فلسفه اخلاق، سه گروه فیلسوف اخلاق قابل شناسایی اند: گروهی از صاحب‌نظران اخلاق، متعلق ارزش و الزام اخلاقی را ملکات می‌دانند (فضیلت‌گرایی) و گروهی دیگر، افعال (رفتارگرایی). گروه دوم، یعنی رفتارگرایان، به دو شاخه وظیفه‌گرا و نتیجه‌گرا تقسیم می‌شوند (صادقی، ۱۳۹۷، ص ۳۶).

وظیفه‌گرایان معتقدند که معیار اخلاقی شدن کارها، به خود آنها باز می‌گردد، یعنی ذات اعمال است که به خوبی و بدی متصف می‌شود. در مقابل، نتیجه‌گرایان، معیار را نتایج حاصل از افعال قرار می‌دهند، یعنی اگر نتایج خوب بود، آن کار به لحاظ اخلاقی خوب است و اگر بد بود، بد خواهد بود. در نتیجه‌گرایی، گرایش‌های متفاوتی همچون خودگرایی، دیگرگرایی و همه‌گرایی یا فایده‌گرایی وجود دارد (بالمر، ۱۳۹۶، ص ۱۹-۲۰). نظر به بهره‌کشی از نتایج توسط خود، دیگری یا بیشترین نفرات، نتیجه‌گرایی به سه قسم مذکور تقسیم می‌شود.

آنچه که به صورت کوتاه و گذرا ذکر شد، مروری بر معنا و مفهوم معیار و همچنین معیارهای مرتبط با هر یک از مکاتب اخلاق هنجاری بود. اینک با توجه به اهمیت شناخت معیار فعل اخلاقی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، به شاهد مثال‌هایی از بیانات رهبری انقلاب می‌پردازیم که معیار اخلاقی به صراحت در آن ذکر شده و به واسطه تبیین و تحلیل آن معیار، می‌توان به فهم دیدگاه اخلاقی ایشان نزدیک شد.

معیار فعل اخلاقی از دیدگاه رهبری

با مراجعه به بیانات، نامه‌ها، پیام‌ها و دیگر فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله) که در قالب کتب و مقالات به چاپ رسیده است، به این نکته رهنمون می‌شویم که نمی‌توان به سادگی درباره معیار اخلاق هنجاری از نظر ایشان اظهار نظر کرد. این پیش فرض را می‌بایست در نظر داشت که معیارها ممکن است یک گونه نباشند؛ زیرا بیانات به ظاهر متعارضی مشاهده می‌شود که هر یک تأیید یکی از مکاتب اخلاقی را می‌کند و به نوعی می‌توان آن را تنوع بیانات اخلاقی از حیث معیار تلقی کرد.

نکته دیگری که می‌بایست در نظر داشت، تفاوت در صراحت بیان یک معیار است. در برخی بیانات، صراحت و بعضاً انحصار در بیان معیار فعل اخلاقی را می‌توان یافت و در برخی دیگر، بیانی مکمل و در مقام تأیید یک معیار یافت می‌شود که حاصل جمع آن دو موضع، اثبات و تأیید یک معیار اخلاقی را خواهد کرد. مراتب در انتخاب معیار و یا اعمال مراتب، در عمل به یک معیار اخلاقی، نکته دیگری است که در بیانات ایشان دیده می‌شود که متناسب با فاعل اخلاقی، عمل به یک معیار را سطح‌بندی کرده و توصیه به هر گروه، متناسب با توان و وسع مخاطب انجام می‌پذیرد.

حاصل آنکه تنوع توصیه‌های اخلاقی از جانب رهبری انقلاب، حاصل ویژگی‌های معیار اخلاقی از دیدگاه ایشان است و به جهت فهم دقیق معیار، بررسی و تحلیل آن ضروری به نظر می‌رسد. در ادامه، به بیان این ویژگی‌ها و تبیین آن خواهیم پرداخت.

۱. تکرار در معیار

با بررسی آن دسته از بیانات رهبری انقلاب که صراحت در بیان معیار اخلاقی دارد، متوجه این نکته می‌شویم که معیار از دیدگاه ایشان تک بُعدی نبوده و واجد نوعی از تکرار است. برخی ناظر به نتایج و پیامدها و برخی ناظر به حقوق و تکالیف و برخی ناظر به ملکات و فضایل اخلاقی‌اند. ادله فراوانی می‌توان در بیانات رهبری انقلاب یافت که ناظر به نتایج و در حوزه خودگروری اخلاقی جای می‌گیرد. در خودگروری اخلاقی، غایت اعمال ارادی همه آدمیان، کسب نفعی برای خودشان است (هاجی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶). از این رو، باید پیوسته به دنبال منافع خویش بود و عملی درست است که بر پایه تحصیل منافع خود باشد (کمپل، ۱۳۸۰، ص ۲۱). اصلی‌ترین عامل که برای



خودگروری اخلاقی، مبنا تلقی می‌شود، این است که ما همگی چنان ساخته شده‌ایم که همواره به دنبال سود یا رفاه خودمان هستیم یا همیشه کاری را انجام می‌دهیم که گمان می‌کنیم بیشترین خیر بر سر را به ما می‌دهد. به قول باتلر این سخن به این معناست که «حب ذات» تنها اصل اساسی در سرشت آدمی است (فرانکنا، ۱۳۸۳، ص ۵۷).

در بین بیانات اخلاقی رهبری انقلاب به دلیل کثرت و صراحت، در نگاه نخست این گمان تقویت می‌شود که خودگروری اخلاقی مد نظر ایشان است. ملاحظه مصالح خود، مراقبت از خود، هم در حیطه دنیوی و هم در اخروی، از جمله مفاهیمی است که فراوان در فرمایشات ایشان یافت می‌شود. به عنوان مثال، بیان ایشان در تفسیر «اعمالاً للأجر» که از وصایای حضرت امیر (ع) خطاب به امام حسن مجتبی (ع) است: «اگر عمری می‌گذرانی اگر عملی انجام می‌دهی، اگر نفسی می‌زنی و اگر قوتی را مصرف می‌کنی، این همه را برای پاداش بکن» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲).

و نکته دیگر اینکه ایشان، پاداش و نتیجه را اخروی می‌دانند و این نوع نگاه را نیز از روایتی از امام سجاد (ع) اخذ می‌کنند. «إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ، فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا» (قمی مشهدی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۵۵۶)؛ قیمت شما و بهای مناسب عمر شما تنها بهشت است. هر چه کمتر بگیرید سرتان کلاه رفته است، پس برای اجر و پاداش اخروی کار کنید» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲). این جمله که برای اجر و پاداش اخروی کار کنید، جمله‌ای صریح در خودگروری است که در فرمایش دیگری نیز به همین مضمون اشاره شده و تکرار شده است: «هیچ کدام از شماها هم از مزد الهی بی‌نیاز نیستید. از این مرز که ما عبور کردیم - مرز مردن - این اول نیاز ماست به این مزد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵ الف).

می‌توان شواهدی بر دیگرگروری نیز در بیانات ایشان یافت که نسبت به خودگروری دارای ادله کمتری است. در دیگرگروری، عمل یا قاعده‌ای را درست و خوب دانسته می‌شود که خیر بیشتر یا شر کمتری برای دیگران (غیر از خود) داشته باشد (فرانکنا، ۱۳۸۳، ص ۴۹-۴۵)، یعنی توجه به سعادت و رفاه دیگران؛ آن هم به خاطر خودشان و نه به خاطر نفع شخصی (کمپل، ۱۳۸۰، ص ۹). به عنوان مثال، ایشان در تفسیر آیه «وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (سوره حشر، آیه ۹) می‌فرمایند: این نمی‌شود که ما دم از محبت فاطمه زهرا (س) بزنیم، در حالی که آن بزرگوار برای خاطر گرسنگان، نان را از گلوی خود و عزیزانش برید» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰ د).

صراحت ایشان در این جمله که ما هم باید همین کار را بکنیم، تاییدی است در گذشتن از خود و اهمیت به تقدم دیگری نسبت به خود (البته، با وجود شرایط دریافت‌کننده فعل اخلاقی).

در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ایشان جمله‌ای صریح در غلبه دیگرگروی بر خودگروی دارند که البته، انحصار از آن فهمیده نمی‌شود، ولی می‌توان از آن، برداشت دیگرگروانه داشت: «افراد زیادی در ماه رمضان خون خودشان را اهداء کردند. این همان حالت غلبه‌دادن دیگرخواهی بر خودخواهی است؛ غلبه دادن منافع دیگران بر منافع خود است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷).

ادله موید فایده‌گرایی نیز در بیانات رهبری انقلاب دیده می‌شود که کمتر از دیگر مکاتب مطرح شده است، ولی برخی از همین ادله، صراحت خوبی و شواهد صریحی در تأیید آن دارد. فایده‌گرایی نظریه‌ای نتیجه‌گراست و با پذیرش «اصل سود» به عنوان مبنای اخلاق، ملاک درستی و نادرستی اعمال را میزان افزایش شادکامی یا کاهش آن می‌داند (میل، ۱۳۹۰، ص ۵۷) و یک عمل در صورتی درست است که بیشترین خیر را برای بیشترین افراد ایجاد کند (پالمر، ۱۳۹۶، ص ۱۲۵). مصادیقی از این معیار در بیانات رهبری یافت می‌شود به عنوان مثال، ایشان در جمع مسئولان وزارت خارجه، هدف از تشکیل جمهوری اسلامی را حفظ منافع ملی می‌داند و تأکید می‌کنند، ایدئولوژی هم به دنبال حفظ منافع ملی است که این بیان، صراحت خوبی در تأیید فایده‌گرایی دارد «هدف از تشکیل جمهوری اسلامی، حفظ منافع ملی، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، قدرت و امنیت ملی است» و در تبیین نتیجه‌گیری این مفهوم می‌فرمایند: «ایدئولوژی به دنبال تأمین و حفظ منافع ملی است و هویت یک ملت به حساب می‌آید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

و همچنین بیان صریح دیگری از ایشان پیرامون ارزش و اهمیت منافع جمعی نسبت به منافع فردی وجود دارد که به آن نیز توصیه کرده‌اند، ایشان با بیان اینکه افراد یک ملت نباید خیلی عافیت طلب و به دنبال منافع شخصی باشند، تصریح دارند که افراد یک ملت، باید واقعاً حاضر باشند برای ملت و کشورشان وارد میدان شوند و خطرپذیری کنند و همچنین می‌فرمایند: «حس منفعت‌جویی گروهی و جمعی یک ملت، باید بیش از حس منفعت‌طلبی فردی آنان باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴ الف).

ادله‌ای که از بیانات رهبری انقلاب ذکر شد، شواهدی است در تأیید اصالت داشتن نتیجه عمل در اخلاقی شدن فعل اخلاقی از منظر ایشان که این خود، معیاری است در سنجش اخلاقی یک عمل. البته، با این توصیف که مخاطب نتیجه، گاهی خود، گاهی دیگری و گاهی همه هستند که شاهد مثال‌های خوبی برای بهره‌کشی نهایی نتیجه، در هر سه فرض در فرمایشات ایشان وجود دارد که به برخی از آنها اشاره شد.



در بیانات رهبری انقلاب شاهد مثال‌های دیگری نیز وجود دارد که نسبتاً صراحت کافی در توصیه به عمل بر طبق وظیفه، بدون توجه به نتیجه را دارد که در حیطه وظیفه‌گروی تعریف می‌شوند. در وظیفه‌گروی، عمل صرفاً باید به تبت ادای وظیفه صورت پذیرد و هیچ انگیزه دیگری از قبیل مصلحت و نفع شخصی و یا میل طبیعی در تحقق آن دخالت نداشته باشد و همین نکته است که ارزش افعال را تعیین می‌کند (نک: کانت، ۱۳۹۷، ص ۲۱-۳۴)؛ به تعبیر دیگر، نتیجه اعمال به هیچ وجه دخالتی در درستی و نادرستی آنان ندارد و ارزش اخلاقی اعمال به این است که آنها را به خاطر وظیفه بودن و بر اساس احترام به قانون اخلاقی انجام دهیم. در بیانات رهبری انقلاب پیرامون تفسیر آیه: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ» (سوره بقره، آیه ۲۰۷) که در شأن امیر المومنین (ع) نازل شده است، بیانی یافت می‌شود مبنی بر اینکه از میان مردم، کسانی وجود دارند که جان خودشان را که عزیزترین سرمایه انسانی است و غیر قابل جبران نیز هست، تنها و تنها برای رضایت الهی می‌دهند و انگیزه دیگری در بین نیست:

بعضی‌ها همین سرمایه را، همین موجودی را یک جا می‌دهند برای این‌که خشنودی خداوند را به دست بیاورند؛ تنها همین. «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي» می‌فروشد، می‌دهد «نفسه» جان خود را وجود خود را «ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ». هیچ هدف دیگری، هیچ مقصود دنیوی‌ای، هیچ گرایش و انگیزه خودخواهانه‌ای، در بین نیست؛ تنها و تنها برای جلب رضایت خدا (خامنه‌ای، ۱۳۶۸ ب).

صراحت در بیان وظیفه و عدم توجه به تمایلات خودخواهانه و تنها عمل به جهت کسب خشنودی الهی در این بیانات به روشنی قابل توجه است.

در بیان دیگری، رهبری انقلاب به مانند شاهد مثال قبل، عدم توجه به انگیزه‌های شخصی و کار بر طبق تکلیف الهی را توصیه می‌کنند و آن را برگرفته از سیره امیر المومنین (ع) خصوصاً اخلاص حضرت می‌دانند که همه می‌بایست این اخلاص را جوهر و روح کارهایشان قرار دهند. «در زندگی علی بن ابی طالب (ع) هم اخلاص جوهر و روح کار آن حضرت بود؛ یعنی کار را تنها برای رضای خدا و بر طبق تکلیف الهی و اسلامی و بدون هیچ انگیزه شخصی و نفسانی و امثال این‌ها انجام می‌داد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰).

آنچه گذشت، ارائه و تبیین ادله مرتبط با معیار وظیفه‌گرایانه در بیانات رهبری انقلاب بود، اما ادله و شواهد خوبی نیز می‌توان یافت که اثبات‌کننده معیار فضیلت‌گروانه است. بر طبق این معیار، احکام اخلاقی، ناظر به الزام یا وظیفه فاعل نیست، حتی ارزیابی اخلاقی عمل یا نتایج آن

عمل اصالتاً اهمیت ندارد، بلکه مهم، فاعل و منش اخلاقی او و فعل اخلاقی آن است که فاعل فضیلت‌مند انجام می‌دهد (خزاعی، ۱۳۸۰، ص ۴۴) و در صورتی رفتاری درست و از نظر اخلاقی پسندیده است که از منش فضیلت‌مند فاعل اخلاقی ناشی شده باشد (دبیری، ۱۳۸۹، ص ۹).

در بیانات رهبری انقلاب، نگاه به درون و توجه به ملکات و در نهایت وجود روح فضیلت‌مند، مورد اهمیت و تأکید ویژه قرار گرفته و به آن توصیه شده است. «ایجاد آدم‌های اسوه که انسان بتواند به آنها افتخار کند از هر فتحی بالاتر و از هر بُردی با ارزش‌تر است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲). در این بیان، تربیت اسوه، یعنی انسانی که در اوج فضیلت‌مندی باشد و حرکات و سکنات آن الگویی برای دیگران است، فتح الفتوح دانسته شده است و از هر بُردی ارزشمندتر دانسته شده است. به طور کلی در بین فرمایشات ایشان، اقتدا و تاسی به الگو که عمده‌تأ نبی مکرم اسلام و ائمه معصومین (ع) هستند را می‌توان به صورت پرشمار یافت. به عنوان مثال: «خداوند متعال به ما مسلمانان دستور داده است که از پیامبر تبعیت کنیم، آن بزرگوار در همه چیز اسوه و الگوست» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰ ج).

آنچه که در این بخش از تحلیل معیار اخلاق هنجاری در بیان رهبر انقلاب یافتیم وجود ادله فراوان نسبت به هر یک از مکاتب اخلاق هنجاری به صورت مُجَرَّأ است که به عنوان معیار قابل مطرح شدن است. اینکه برای تمامی نظریات در حوزه مکاتب اخلاق هنجاری، ادله‌ای می‌توان یافت، نشانی از تکثر معیار در دیدگاه ایشان است؛ هرچند اگر صراحتی در بیان ایشان نسبت به این موضوع وجود نداشته باشد. می‌بایست به این نکته نیز دقت نمود که در نگاه اولیه و ابتدایی، نمی‌توان از شاهد مثال‌های مرتبط با هر یک از مکاتب اخلاقی، برداشتی انحصاری و قطعی داشت، لیکن با توجه به تعدد قرائن و صراحت بیانات مربوط به هر یک از معیارها، تکثر مدّ نظر قابل فهم خواهد بود.

۲. مراتب در معیار

در فقه شیعه، عناوین حرام، مکروه، مباح، مستحب و واجب وجود دارد که راهنمای عمل یک مسلمان شیعی است. این عناوین در ذات خود، تقدم و تاخیر را تعریف می‌کنند که بیانگر نوعی مراتب است. در اخلاق نیز خوبی، منحصر در بالاترین سطح و در اعلیٰ درجه تعریف نمی‌شود و قاعده‌تاً در طیفی، قابل دسته‌بندی است.

در قرآن نیز برخی صدقات واجب و برخی مستحب‌اند. مهلت دادن به بدھکار تنگ‌دست، خوب است، ولی اگر انسان اصل بدهی را به او ببخشد بهتر است (سوره بقره، آیه ۲۸)، این قاعده در



بین کارهای بد نیز جاری و ساری است. برخی افعال بد و برخی بدتراند؛ «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (سوره بقره، آیه ۱۹۱). این شواهد نشان می‌دهد که دسته‌بندی کارها به این نحو که عمل یا خوب است یا بد درست نیست، اما نکته اینجاست که ملاحظه فوق، آیا درون یک معیار اخلاقی قابل اجراست یا اینکه نظام رتبی، بین دو معیار متفاوت اخلاقی قابل تسری است. به عنوان مثال، کسی که از روی خیر و ثواب اخروی، مهلتی به قرض‌گیرنده داده و یا با همان نیت آن قرض را بخشیده، دو کار خوب با سطح متفاوت انجام داده است، اما هر دو با نیت خودگروانه اخروی بوده است و هر دو مورد تشویق است. اما آیا می‌توانیم نظام رتبی را به معیار فعل اخلاقی نیز تسری بدهیم. در میان فرمایشات رهبری انقلاب، ادله‌ای در تأیید نظام رتبی نسبت به یک معیار اخلاقی و سطوح گوناگون انجام آن فعل و همچنین اعتقاد به نظام رتبی در معیارهای گوناگون فعل اخلاقی به چشم می‌خورد، برای مثال، ایشان در شرح احادیث اخلاقی پیرامون فضیلت زهد، برداشتی رتبی از عمل به زهد دارند:

حالت بی‌ رغبتی و بی‌ اعتنائی و اهمیت ندادن به زخارف دنیا هر چه بیشتر باشد، بلا شک بهتر است لکن یک حداقلی هم دارد که همه من و شما می‌توانیم به این حداقل عمل بکنیم (خامنه‌ای، ۱۴۰۳، ص ۷۷).

بحث اصلی ما، پیرامون وجود نظام رتبی در معیارهای گوناگون اخلاق هنجاری است که در فرمایشات رهبر انقلاب به آن اشاره شد و می‌توان شواهدی از آن یافت. به عنوان مثال، ایشان در دیدار جمعی از روحانیون - در آستانه ماه مبارک رمضان - می‌فرمایند:

احساس تکلیف الهی، بیشتر موجب می‌شود که کسی اقدام به تبلیغ کند. نه این که انگیزه‌های مادی وجود ندارد، یا مثلاً وظیفه الهی با بعضی انگیزه‌های مادی برای مبلغ منافات دارد؛ این طور نیست (خامنه‌ای، ۱۳۷۴ ب).

ایشان انگیزه مادی، حتی در امر تبلیغ دین را نیز نفی نمی‌کنند، اما احساس تکلیف الهی را عامل اصلی اقدام مؤثر در امر تبلیغ یک مبلغ می‌دانند.

رهبری معظم انقلاب، در سلسله مباحث طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، بیانی در مراتب توحید دارند، ایشان نوع نگاه به مرگ را از دیدگاه یک موحد و یک غیر موحد بررسی کرده و در ادامه، نگاه یک موحد به مقوله مرگ را نیز دارای مراتب می‌دانند:

یک آدم موحد اگر خیلی فداکار بود، اصلاً مثل پروانه‌ای، مثل شمعی، جز خودسوزی،

جز نیندیشیدن به مصالح شخصی خود از او انتظاری نیست، اما اگر به آن فداکاری هم نبود و نشد، آن قدر هم نخواست فداکاری کند، باز برایش افتادن در آن منطقه‌ای که او را نیستی می‌دهد، آسان‌تر است، برای خاطر اینکه آنجا را نیستی نمی‌بیند، آن را هم محیط دیگری از این منطقه وسیع زندگی انسان می‌شناسد (خامنه‌ای، ۹۲، ص ۳۶۱).

در این مثال، ضمن تأیید مرتبه خودگروانه از سیر و سلوک اخلاقی، به محاسبه نتیجه اصالت داده شده است، اما اشاره‌ای نیز به فنا شدن و خود ندیدن در طی طریق توحیدی شده است و هر دو مورد تأیید قرار گرفته است.

۳. نقش وسع در تعیین معیار

بعد سومی که در تحلیل معیار مؤثر است، آن گزاره‌ای است که عامل تکثر و مراتب در معیار شده است و آن عامل عبارت است از وسع، توانایی و قابلیت‌های افراد. آدمیان واجد اختلاف در ساختار عملکردی و تفاوت در ظرفیت وجودی‌اند؛ بدین معنا که ساختار وجودی برخی افراد چنان است که بیشتر بر اساس احساسات عمل می‌کنند و برخی بر اساس امیال و گروهی نیز بر مبنای عقل. همچنین ظرفیت معرفتی آدمیان نیز بسیار متفاوت است. دیگر استعدادها و زمینه‌های رفتاری نیز تفاوت دارد. همه اینها در وسع افراد، تأثیرگذارند. بر این پایه، زیبا و زشت در حق افراد متفاوت می‌شود؛ نکته‌ای که اندیشمندان مسلمان نیز به آن توجه داده‌اند (صادقی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۹). غزالی معتقد است که زیبا و زشت دو تعبیر هستند که حاکی از دو ویژگی نسبی از خلاقیت‌اند که نسبت به هر کس تفاوت دارند. از این‌رو، امکان دارد کاری در حق کسی زیبا باشد و در حق دیگری زشت؛ بر خلاف سیاهی و سفیدی که چنین نیستند و در حق همگان یکسان‌اند (غزالی، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۰۵).
بیانات متعددی از رهبری انقلاب نیز وجود دارد که می‌توان از آن، توصیه به فعل اخلاقی بر طبق وسع را فهم کرد. به عنوان مثال، ایشان نسبت به سطح توقع از سپاهیان بر حسب میزان توان‌مندی و وسعتشان، بیان مهمی دارند که مستند به آیه ۲۸۶ سوره بقره است.

خداوند متعال استعداد و توانایی و امکان را داده؛ وقتی امکان داد، تکلیف هم می‌آید: لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا؛ هر چه وسع شما بیشتر باشد، تکلیفتان هم بیشتر است؛ من این را عرض می‌کنم. خلاصه حرف ما و عرض ما این است؛ چون وسعتان زیاد است، توانایی‌تان زیاد است، تکلیفتان هم زیاد است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸).

ایشان در تبیین این کلام حضرت امیر (ع) «أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ» با بیان عدم توانایی‌ها



و وسع‌ها در رسیدن به مقامات و قله‌های معنوی در سطح حضرت امیر (ع) می‌فرماید:

این را همه می‌دانند که توان و بنیه روحی و معنوی و حتی جسمانی انسان‌هایی پایین‌تر از امیرالمؤمنین (ع)، آن قدر نیست که به آن قله برسند، اما حرکت به سمت قله را بایستی زنده نگه داشت (خامنه‌ای، ۱۳۸۱).

طبق نظر ایشان، تفاوت توان و وسع ما نسبت به حضرت امیر (ع) که مظهر علم و قدرت الهی است، عامل بی‌حرکی ما نمی‌تواند باشد، ولی به هر حال تفاوت بسیار زیاد در قابلیت و وسع ما نسبت به ولی خدا، نکته‌ای که قابل اعتنا و معنادار است. بیان دیگری مشابه فرمایش قبلی را می‌توان یافت که تلاش به اندازه توان و حرکت بر طبق وسع، در آن به چشم می‌خورد: «بین آنچه که ما می‌توانیم عمل کنیم و آنجا که حضرت امیر المومنین (ع) بود، مراتب بسیاری فاصله است، ما هر چه می‌توانیم باید این مراتب را طی کنیم و پیش برویم» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹). در این بیان نیز، همان‌گونه که گذشت، حرکت متناسب با توان و تفاوت وسع با اولیاء الهی به وضوح ذکر شده است.

آنچه در این بخش، پیرامون تحلیل معیار فعل اخلاقی از دیدگاه رهبری مطرح شد، بیان و تحلیل گزاره‌های اصلی و مؤثری بود که در تعیین الگوهای اخلاق هنجاری مستخرج، محوری و حائز اهمیت تلقی می‌شد. تفاوت و تکثر معیار، متناسب با فاعل اخلاقی و تفاوت فاعل اخلاقی بدلیل تفاوت در وسع و همچنین بیان رتبی در معیار اخلاقی، متناسب با وسع فاعل و در نهایت حرکت به سمت قله اخلاق و متخلق شدن به اخلاق الهی که همان مسیر انبیا و اولیاء الهی است، سیر تحلیلی این بخش از تحقیق بوده و حاصل جمع آن، ارائه معیاری است که واجد تمامی ویژگی‌های مذکور باشد.

۴. معیار حق در اخلاق هنجاری

بر مبنای آنچه که پیرامون ویژگی‌های معیار اخلاقی از دیدگاه رهبری انقلاب، مطرح و مورد تحلیل واقع شد، این احتمال قوت می‌یابد که معیار مذکور، منحصر در یکی از مکاتب اخلاق هنجاری نبوده و به بیانی دیگر، هم‌عرض مکاتب موجود نیز نیست. اصل اساسی در این معیار آن است که افراد به دلیل تفاوت ظرفیت‌ها و وسع‌ها نیازمند معیارهای متفاوتی برای افعال اخلاقی خود هستند و نمی‌توان یک معیار واحد را برای همه توصیه کرد؛ بنابر این، رعایت وسع در افراد گوناگون، نقش اساسی در تعیین معیار متناسب با آن فرد دارد.

تنوع فرمایشات رهبری انقلاب نسبت به بیان معیار اخلاقی متفاوت در بین افراد و گروه‌های مختلف، خود دلیلی بر دخالت و وسع و تفاوت ظرفیت‌ها در توصیه‌های اخلاقی ایشان به مخاطبین است. این تفاوت توصیه‌های اخلاقی را می‌توان نوعی تکثرگرایی در معیار تلقی کرد. از دیدگاه رهبری انقلاب، در عمل به دستورات اخلاقی متناسب با وسع افراد، مراتبی وجود دارد که کف و سقفی برای آن می‌توان تعریف کرد و تفاوت توصیه‌های اخلاقی را متناسب با جایگاه مخاطب، معنادار دانست و به تعبیری، برای هر فاعل اخلاقی، نسخه‌ای متناسب با او حق محسوب می‌شود.

بنابراین، شاید بتوان معیار اخلاق هنجاری از دیدگاه رهبری انقلاب را شبیه هرمی دانست که در کف این هرم، خودگروی وجود دارد و در سطح بالاتر دیگرگروی و فایده‌گروی و در سطح بالاتر وظیفه‌گروی و در قله اخلاق، فضیلت‌گروی قرار می‌گیرد و برای همه وسع‌ها و توان‌ها، نسخه اخلاقی معادل ظرفیت او را پیش نهاد می‌کند.



کثرت بیانات رهبری انقلاب پیرامون سیر و رشد اخلاقی متناسب با توان‌ها و وسع‌ها، به نوعی دیدگاه فوق را تقویت می‌کند و در کنار دیگر مکاتب اخلاقی که دارای شاهد مثال مشخص در کلام رهبری بوده‌اند، این نظر نیز واجد شواهدی در کلام ایشان است. به عنوان مثال، بیانی از ایشان می‌توان یافت که حرکت در مسیر رسیدن به اسوه‌ها و قله‌ها توصیه شده، اما تفاوت در شروع و ادامه حرکت با توجه به تفاوت ظرفیت‌ها نیز لحاظ شده است.

شما قله کوه را از پائین نگاه می‌کنید، می‌بینید کسانی آنجا هستند؛ این‌جور نیست که تصور کنید این‌ها بال زدند رفتند آنجا؛ نه، این‌ها از همین مسیری که جلوی پای شماست، جلو رفتند و به آنجا رسیدند. دچار توهم نشویم، خیال نکنیم که با یک نوع



حرکت غیرعادی و غیر معمولی می‌توان به آن قله‌ها رسید؛ نه، آن هائی که در آن قله‌ها مشاهده می‌کنید، از همین راه‌ها عبور کردند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹ الف). در این مثال نیز اشاره به رشد درون سطحی و برون سطحی نسبت به حرکت در مسیر قله شده است، اما شروع و ادامه حرکت‌ها، متناسب با وسع‌ها تعریف و مشخص می‌شود.

ایشان در دیدار کنگره بزرگداشت شهید سلیمانی، اشاره‌ای به واقع‌گرایی در مسیر رشد اخلاقی و عدم توقف، بدلیل تصور سخت بودن دستیابی به جایگاه اسوه‌ها دارند.

همه آن‌هایی که درباره‌ی ایشان صحبت می‌کنند، مراقب باشند که خصوصیات آقای شهید سلیمانی را خصوصیات ماورائی نکنند. خصوصیات یک انسان زنده‌ای است که جلوی ما دارد حرکت می‌کند: *يَاكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الاسواقِ* (سوره فرقان، آیه ۷)، یعنی این جور نباشد که تصوّر بشود که این یک جایگاه دست‌نیافتنی است؛ نه، شهید سلیمانی زنده بود، کسی هم نمی‌دانست. الان هم زنده‌هایی هست که کسی نمی‌داند که این‌ها چه هستند (خامنه‌ای ۱۴۰۱).

نکته‌ای که نباید مغفول بماند این است که دیدگاه اخلاقی مطرح شده، منحصر در دیدگاه رهبری انقلاب نبوده و علمای اخلاقی پیشین ما نیز در ذیل این نوع نگاه، نظرات مشابهی داشته‌اند. به عنوان مثال، علامه مجلسی در تفسیر روایتی از امام صادق (ع)، مراتب تبت در افعال را می‌پذیرند و به این حدیث تمسک می‌کنند:

(إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ: قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَوْفًا فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ حُبًّا لَهُ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ) (کلبی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۸۴).

طبق توضیح مرحوم مجلسی، در اینجا امام صادق (ع)، عبادت آزادگان را از بقیه انواع عبادات بالاتر می‌داند و دلالت التزامی این جمله آن است که بقیه انواع عبادت نیز فضیلت دارد. از این‌رو، سخن کسانی که تنها یک نوع کار فضیلت‌مند را قبول دارند، بی‌وجه است (علامه مجلسی، ج ۶۷، ص ۲۳۶ و ۲۵۶). مرحوم سید علی اکبر خان کبیر، ضمن تأیید استدلال علامه مجلسی، از اندیشمندانی نام می‌برد که همگی کار برای نجات از آتش و یا دستیابی به بهشت را منافی با اخلاص نمی‌دانند. شیخ طوسی در المبسوط، محقق حلی در المعبر و علامه حلی در تحریر الاحکام از جمله کسانی هستند که او نام می‌برد (مدنی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۸۷).

محمد تقی مجلسی نیز از جمله علمایی است که معتقد به این مبناست. او در توضیح روایتی از امام سجاد (ع) درباره درجات زهد و ورع، یقین و رضا می‌گوید:

بدان که رضایت از خداوند، مرتبه صدیقین است و تکلیف مردم عادی به آن، تکلیف ما لایطاق است. بله، می‌توانند که شکایت نکنند و نارضایتی خود را آشکار ن سازند (علامه مجلسی، ج ۹، ص ۳۶۹).

البته، در دیدگاه علمای عصر حاضر که در حوزه اخلاق صاحب نظرند، بعضا معیارهای دیگری را می‌توان یافت که با آنچه ذکر شد متفاوت بوده و متمایل به یکی از مکاتب اخلاق هنجاری است. به عنوان مثال، از نظر استاد جوادی آملی، اخلاق به ملکه شدن فضایل در نفس بدست می‌آید (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۵۱) و می‌توان گفت که از دیدگاه ایشان، به لحاظ هنجاری، معیار فعل نیک، در راستای فضیلت بودن و ناشی شدن از فضیلت است. البته، این به معنای نفی حُسن و قُبْح فعلی و در نظر گرفتن نتایج عمل نیست، بلکه شخص فضیلتمند، بصیرت افزونی در تشخیص افعال نیک و غایات آن خواهد داشت (صالحی و جوادی، ۱۳۹۷، ص ۵۷).

همچنین از دیدگاه استاد مصباح یزدی - متفکر شهیر حوزه فلسفه اخلاق - تمام تلاش‌ها، فعالیت‌ها و حرکات انسانی در طول عمر خود، از هر نوع که باشد - مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی - همگی آثار و مظاهر تمایلات متنوع و پیچیده انسان هستند که در نهایت، در اساس و ریشه خود، به «حب نفس» باز می‌گردند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۷/۲) و بدلیل برخورداری از حب نفس، بیشترین تمایل و کشش را به کمال نهایی دارد. از دیدگاه ایشان، مصداق کمال نهایی در اخلاق، «قُرب خداوند متعال» است و تنها در پرتو آن است که می‌توان همه کمالات و منافع نفس را تأمین کرد (عبداللهی و محمدی، ۱۳۹۳، ص ۴۴). نوعی خودگروی را در کلام استاد مصباح می‌توان یافت که تفاوت آن با دیگر معتقدین به این نظر، در متعلق امیال به جهت اخلاقی شدن افعال است.

از اصلی‌ترین اشکالاتی که به نظریه اخلاقی استاد جوادی آملی می‌توان وارد دانست، ضعف در نخبه‌گرایی فضیلت‌گروی و ناامیدسازی عموم مردم از دستیابی به اخلاق است و همچنین استدلال پیرامون انحصارگرایی در خودگروی مدّ نظر استاد مصباح یزدی نیز با اثبات وجود امیال دیگر خواهانه و اجد اشکال خواهد بود و نمی‌توان معیار را تنها در خودگروی منحصر کرد.

بر مبنای آنچه که از کلام بزرگان اخلاقی متقدّم و متأخّر، مطرح و تحلیل شد، معیار اخلاقی فهم شده از دیدگاه مقام معظم رهبری، ضمن تکیه بر مبنای اصیل اسلامی و عقلانی، معیاری



ناظر به واقعیت است. طبق این دیدگاه، ضمن محوریت قرار دادن قابلیت‌ها و توان‌های فاعل اخلاقی، معیاری را از هرم اخلاقی رایج، متناسب با وسع به او توصیه کرده و داوری نیز بر اساس همان معیار انجام خواهد داد.

نقد و بررسی

پس از بررسی نظرات علمای اخلاق پیرامون معیار اخلاق هنجاری و ارائه معیار فهم شده از دیدگاه رهبری انقلاب اسلامی، شایسته است تا به بررسی برخی سؤالات مطرح شده پیرامون معیار «حق» به عنوان معیار فهم شده در این پژوهش پردازیم.

نخستین و مهم‌ترین مسئله، قرائت نسبی‌گرایانه از این معیار است. پرسش این است که با دادن اصالت به تفاوت انسان‌ها و پذیرش تفاوت نسخه‌های اخلاقی، نوعی از نسبیت را پذیرفته و به آن ترتیب اثر داده‌ایم. به این پرسش این‌گونه می‌توان پاسخ داد که بر خلاف نسبی‌گرایی اخلاقی، این معیار بر پایه امیال و خواسته‌های افراد استوار نیست، بلکه برای هر گروه هم وزن و دارای وسع مشابه، ارزش خاصی تعیین می‌شود. از این جهت برای هر دسته از آدمیان با وسع مشابه، ارزش مطلقی وجود دارد. از این‌رو، استفاده از تعبیر تناسب‌گرایی در این معیار، جایگزین نسبی‌گرایی می‌شود. یعنی زمانی که ما از (تناسب با وسع افراد) صحبت می‌کنیم، این تناسب دارای معیار است.

مسئله مطرح شده دیگر، پیچیدگی‌های این معیار در مقام نظر و عمل است. به عبارت دیگر، این معیار، چند سطحی و چند لایه بوده و بر حسب وضع فعلی مخاطب، معیاری متناسب با او را پیشنهاد می‌دهد و این چند سطحی و پیچیده بودن، عاملی بر خلاف سادگی یک معیار در مقام فهم و مقام عمل است. در پاسخ باید گفت، زمانی که مخاطب اخلاقی، انسانی با پیچیدگی‌های خاص خود است، چاره‌ای بجز ارائه نظریه‌ای متناسب با پیچیدگی‌های او باقی نمی‌ماند و شاید بتوان گفت که مواجهه ساده‌انگارانه با مخاطب اخلاقی و ارائه نسخه بر طبق نظریات پراسکال، محدود، بسیط و انحصارگرایانه برای آحاد مردم، اشتباهی بوده است که تا کنون قاطبه نظریه‌پردازان اخلاقی مرتکب آن شده‌اند.

برخی از نظریه‌پردازان، سادگی یک نظریه را منحصر در بسنده کردن به کف اخلاق دانسته و توصیه عمومی به همه مخاطبین اخلاقی را در حد رعایت سود انحصاری برای خود می‌دانند که این نیز نادیده گرفتن ظرفیت‌های انسانی و غایت کمال اوست. پس می‌توان بعد از این

توضیحات به این نکته رهنمون شد که به جهت پیچیدگی طبیعت خلقت انسان و مسیر تکامل او می‌بایست نظریات اخلاقی مؤثر و قابل تطبیقی را برای او در نظر گرفت تا پاسخ‌گوی رفتارها و رشد اخلاقی آن باشد.

مسئله سوم مطرح شده، پیچیدگی انتخاب معیار در ساحت عمل، هم در حوزه فردی و هم در سطح ملی و جایگاه برنامه‌ریزی است. به عنوان مثال در مدارس و یا ادارات با نگاه ملی باید کدام معیار را انتخاب کنیم؟ پیشنهاد معیار خودگروی را بدهیم یا وظیفه‌گرایی و یا فضیلت‌گرایی را؟ پاسخ آن است که در مقام اخلاق کلان، معیار برنامه‌ریزی فایده‌گروی است، اما نسبت به افراد یا گروه‌های مختلف، می‌توان توصیه‌ای متناسب با جایگاه آنان ارائه داد و وسع و قابلیت این افراد را هنگام ارائه معیار مد نظر گرفت. البته، در صورتی که آن توصیه اخلاقی و عملکرد آن گروه خاص، منافاتی با خیر عمومی مردم و سود حداکثری که همان معیار کلان است نداشته باشد.



نتیجه‌گیری

با بررسی بیانات و دیگر منشورات اخلاقی رهبری انقلاب، متوجه این نکته خواهیم شد که معیار فعل اخلاقی از دیدگاه ایشان یک بُعدی و منحصر در یک معیار اخلاق هنجاری رایج نیست و تنوع و تکثر در توصیه‌های اخلاقی ایشان وجود دارد. رتبه‌بندی در افعال مراتب نیز، یکی از ویژگی‌های معیار اخلاقی ایشان است که به برخی مخاطبین خود، معیاری ارائه می‌دهند که سطح آن معیار، پایین‌تر از دیگر معیارهای اخلاقی است و به برخی، در سطح بالای اخلاق، ارائه معیار دارند. محاسبه میزان وسع و قابلیت فاعل اخلاقی، از دیگر ویژگی‌های معیار اخلاقی از دیدگاه ایشان است و به نوعی، تنوع و تکثر معیار و مراتب معیار، نشأت گرفته از وسع فاعل اخلاقی می‌باشد. حاصل آن که معیار اخلاقی از دیدگاه ایشان، یک بُعدی نیست، سطوح و مراتب مختلف دارد و متناسب با وسع فاعل است. معیار «حق»، تعبیری است که به ویژگی‌های مذکور برای معرفی معیار اخلاق هنجاری از دیدگاه رهبری نزدیک بوده و ذیل عنوان حق‌گروی می‌توان از آن نام برد. در این معیار، حق آن است که با توجه به وسع فاعل اخلاقی، معیاری متناسب با قابلیت‌های او پیشنهاد شود. فاعل اخلاقی نیز می‌تواند در مسیر رشد اخلاقی خود، به وضع فعلی راضی نبوده و از سطح معیار فعلی خارج شده و به معیار بالاتر ملتزم شود و یا با عمل به یک معیار اخلاقی، نسبت به همان معیار، به سطح بالاتری دست پیدا کند و به تعبیری، مراتب

رشد اخلاقی را به میزان رشد یافتگی خود طی کند. این رشد، بر طبق هرم اخلاقی پذیرفته شده در بین علمای اخلاق و بر اساس معیارهای موجود اخلاق هنجاری، از خودگروری که سطح نازل و کف اخلاق است شروع و به دیگرگروری و وظیفه گروری و در نهایت به قله اخلاق، یعنی فضیلت گروری منتهی خواهد شد.

به کارگیری این معیار در سطح جامعه پیامدهای گوناگونی دارد. مهم ترین پیامد آن، تنوع در ارائه نسخه های اخلاقی در اداره جامعه است. به عنوان مثال، اگر در مقام برنامه ریزی برای تعلیم اخلاق در مجموعه های آموزشی کشور هستیم، نسخه متناسب با قابلیت های عمومی آن مجموعه، نسخه خودگروانه و مقداری دیگرگروانه است؛ زیرا نمی توان از مخاطبین اخلاقی در آن سطح، توقع سطح بالای اخلاق را کرد، اما زمانی که مخاطبین، طیفی از نظامیان و یا روحانیون باشند، تکلیف محوری پر رنگ خواهد شد. در نظام برنامه ریزی ملی و کشوری، اصل و اساس، فایده گروری است. البته، با نظر به وظیفه و تکالیفی که دین مشخص کرده است. به بیان دیگر، دین حدود و اصول را تعیین می کند و در مرحله بعد، می بایست درون آن چارچوب ها و اصول مورد تأیید دین، به دنبال بیشترین مصلحت برای عموم بود. این نگاه را می توان به عنوان تئوری پایه ای اداره کشور بر اساس معیار اخلاقی رهبری انقلاب بررسی کرده و تعمیق داد.

فهرست منابع

- بهمنی، سعید. (۱۳۸۸). معیار پژوهش های قرآنی. فصلنامه پژوهش های قرآنی، ۱۵(۵۷)، ۱۴۲-۱۷۵.
- پالمر، مایکل. (۱۳۹۶). مسائل اخلاقی. (ترجمه: علیرضا آل بویه). تهران: انتشارات سمت.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). ادب قاضی در اسلام (چاپ اول). قم: مرکز نشر اسراء.
- حسینی خامنه ای، سید علی. (۱۳۶۸ ب). بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۶۸/۲/۸. بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۹، از <https://khl.ink/f/20689>
- حسینی خامنه ای، سید علی. (۱۳۷۰ الف). بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۷۰/۱/۱۶. بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۳/۲/۱، از <https://khl.ink/f/2438>
- حسینی خامنه ای، سید علی. (۱۳۷۰ ب). بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۷۰/۴/۱۸. بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۲/۴/۲، از <https://khl.ink/f/2471>
- حسینی خامنه ای، سید علی. (۱۳۷۰ ج). بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۷۰/۷/۵. بازیابی شده در



- تاریخ ۱۴۰۱/۶/۴، از <https://khl.ink/f/2497>
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۰د). بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۷۰/۱۰/۵. بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۸، از <https://khl.ink/f/2537>
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۲). بیانات در دیدار ورزشکاران جانباز، ۷۲/۴/۲۹. بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۴، از <https://khl.ink/f/4009>
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۴الف). بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگ عمومی استان‌ها، ۷۴/۴/۱۹. بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۲/۴/۵، از <https://khl.ink/f/2759>
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۴ب). بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۷۴/۱۰/۲۷. بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۹، از <https://khl.ink/f/2781>
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۹). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۷۹/۱۲/۲۶. بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۱/۹/۷، از <https://khl.ink/f/3057>
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۵الف). بیانات در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون، ۸۵/۳/۲۳. بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۲/۸/۱۲، از <https://khl.ink/f/3342>
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۷). خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۸۷/۷/۱۰. بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۲/۴/۲، از <https://khl.ink/f/3902>
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۹الف). بیانات در دیدار دانشجویان در یازدهمین روز ماه رمضان، ۱۳۸۹/۵/۳۱. بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۴، از <https://khl.ink/f/9925>
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن (چاپ اول). قم: انتشارات مؤسسه ایمان جهادی.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲). گزیده احادیث مکارم الاخلاق (چاپ دوم). تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۷). دیدار سفرا و مسئولان وزارت امور خارجه، ۹۷/۴/۳۰. بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۷، از <https://khl.ink/f/40156>
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸). بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۱۳۹۸/۷/۱۰. بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۹، از <https://khl.ink/f/43632>
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۱). دیدار خانواده و اعضای ستاد بزرگداشت شهید حاج قاسم سلیمانی، ۱۴۰۱/۱۰/۱۱. بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۲/۳/۲۰، از <https://khl.ink/f/51635>
- خزاعی، زهرا. (۱۳۸۰). اخلاق فضیلت‌مدار. دو فصلنامه نامه مفید، ۲۸، ۷-۳۲.
- دبیری، احمد. (۱۳۸۹). فضیلت‌گرایی در اخلاق. دو فصلنامه معرفت اخلاقی، (۱)۲، ۵-۲۲.

- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا (چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صادقی، هادی. (۱۳۹۷). فلسفه اخلاق در دایره عقل و دین (چاپ اول). قم: انتشارات طه.
- صالحی ساداتی، سید علیرضا؛ جوادی، محسن. (۱۳۹۷). فلسفه اخلاق استاد جوادی آملی. فصلنامه اخلاق و حیانی، ۸(۱)، ۴۷-۶۸.
- عبداللهی، یحیی؛ محمدی، علی. (۱۳۹۳). بررسی نظریه فلسفه اخلاق آیت الله مصباح یزدی و نسبت آن با «توحید». فصلنامه اخلاق و حیانی، ۲(۶)، ۲۵-۵۹.
- عمید، حسن. (۱۳۵۴). فرهنگ فارسی (چاپ نهم). تهران: نشر جاویدان.
- غزالی، محمد. (۱۴۰۹ق). الاقتصاد فی الاعتقاد (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.
- فرانکنا، ویلیام کی. (۱۳۸۳). فلسفه اخلاق (ترجمه: هادی صادقی). قم: کتاب طه.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا؛ درگاهی، حسین. (۱۳۸۲). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب (ج ۵). قم: انتشارات دار الغدير.
- کانت، ایمانوئل. (۱۳۹۷). بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق (ترجمه: حمید عنایت و علی قیصری؛ چاپ دوم). تهران: خوارزمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۹۱). اصول کافی (ترجمه: حسین استادولی؛ ج ۲، چاپ دوم). تهران: انتشارات دارالتحقیق.
- کمپبل، ریچموند. (۱۳۸۰). خودگروی (ترجمه: امیر خواص). در لارنس بکر (ویراستار)، مجموعه مقالات فلسفه اخلاق. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مجلسی، محمدباقر (علامه مجلسی). (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (ج ۶۷). بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۶ق). روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (تصحیح: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهااردی؛ چاپ دوم). قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
- مدنی، علیخان بن احمد. (۱۴۰۹ق). ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین (ع) (تصحیح: محسن حسینی امینی؛ ج ۳). قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۴). اخلاق در قرآن. قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲). فلسفه اخلاق (تحقیق: احمد حسین شریفی). تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- میل، جان استوارت. (۱۳۹۰). فایده‌گرایی (ترجمه: مرتضی مردی‌ها؛ چاپ دوم). تهران: نشر نی.
- هابز، توماس. (۱۳۸۷). لویاتان (ویرایش و مقدمه: سی. بی. مک‌فرسون؛ ترجمه: حسین بشیریه؛ چاپ اول). تهران: نشر نی.